



فاطمه زهرا منزلت‌های

حسین سلطان محمدی

بدست آورد؛ مقامی بس عظیم و فضایل او بی‌شمار است. در این نوشته سعی خواهیم کرد برخی از فضایل و مناقب آن حضرت را بازگو نماییم. باشد که زندگی آن حضرت را الگو و سرمشق خویش قرار دهیم.

علم فاطمه زهرا علیها السلام

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَرَوْحَهُ وَأَبْنَاءَهُ حُجَجَ عَلَي خَلْقِهِ وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱
خداوند متعال علی، همسر و

هدف از بیان منزلت و فضایل فاطمه زهرا علیها السلام، بیان مطالب شگفت‌آور و غیرقابل وصول نیست؛ بلکه هدف از آن آگاهی بیشتر و درک عظمت وجود فاطمه زهرا علیها السلام و درس آموختن از مکتب پر بار اوست.

حضرت زهرا علیها السلام از نظر زندگی مادی؛ بشری چون دیگران است، اما از جنبه معنوی؛ بدانجا رسید که شناخت تمامی ابعاد شخصیتی آن حضرت بسی دشوار و دست‌یابی به همه جوانب آن مشکل می‌نماید. مقامی که آن بزرگوار در اثر بندگی خدا و شناخت و معرفت حضرت حق

۱. عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، ج ۱۱، ص ۷۸، انتشارات انصاریان، ص ۱۴۱۱.

را در مورد فرزندانش به اطلاع او می‌رساند و امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را می‌نوشت.»

چنانچه از این حدیث بر می‌آید؛ حضرت فاطمه علیها السلام با جبرئیل ارتباط مستقیم و مداوم داشت و اخباری از دنیا و آینده و عالم برزخ را از او دریافت می‌کرد. بدین وسیله میزان علم، اطلاع و آگاهی‌اش، محدود به زمان و مکان خود نبوده است؛ بلکه علم او بسیار گسترده بود و از علم الهی سرچشمه می‌گرفت.

فاطمه زهرا علیها السلام بر اموری اشراف داشتند که نزد دیگران پوشیده و پنهان بود. از جمله این موارد؛ علم حضرت به زمان مرگ خویش بود! چنانچه در روایتی اسماء بنت عمیس - همسر جعفر طیار - چنین می‌گوید:

«حضرت زهرا علیها السلام هنگام وفات به من فرمودند: هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، جبرئیل مقداری کافور بهشتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد. پیامبر آن را سه قسم کرد؛ یک قسم آن

۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۵۸، انتشارات عمید تهران.

فرزندانش را حجت بر مخلوقاتش قرار داده و آنان درهای علم در میان امت من هستند. هر کس به وسیله آنان هدایت جوید؛ به راه راست هدایت یافته است.»

در این حدیث، فاطمه زهرا علیها السلام مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر حضرات معصومین باب علم و عامل هدایت مردم شمرده شده است. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام چنین رسیده است:

«إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا، وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى ابْنِهَا وَكَانَ يَأْتِيهَا جِبْرَائِيلُ فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى ابْنِهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخَبِّرُهَا عَنْ آيَاتِهَا وَمَكَانِهِ وَيُخَبِّرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي دَرَّتَيْهَا وَكَانَ عَلَيَّ يَكْتُبُ ذَلِكَ؛^۱

فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا، هفتاد و پنج روز زندگی کرد و [در این ایام] بسیار محزون بود. در طول این مدت جبرئیل به حضورش می‌رسید، او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت و دلش را از غصه‌ها پاک می‌ساخت و او را از پدرش و جایگاه عظیم او آگاه می‌کرد، حتی اخبار آینده

عصمت فاطمه علیها السلام

در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری در دست است و حکایت از آن دارد که آیه تطهیر در خانه ام سلمه نازل شده است. هنگام نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام، علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام حضور داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله عبای خویش را بر آنان افکند و بدین ترتیب آنان از باقی اهل خانه و دیگران جدا و مشخص شدند. آنگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، دستها را به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: خدایا اینان اهل بیت من هستند، پس بر اهل بیت من و آل او درود فرست. خداوند عزوجل این آیه را در شأن آنان نازل فرمود^۱:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲

«همانا خداوند اراده فرمود که

را برای خود برداشت؛ قسم دیگر را برای علی علیه السلام و قسم آخر را برای من گذاشت. ای اسماء! آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار، اندکی صبر کن و در انتظار من باش، پس مرا صدا بزن، اگر جوابت را ندادم؛ بدان که به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق شده‌ام.

اسماء می‌گوید: اندکی صبر کردم و آنگاه فاطمه علیها السلام را صدا زدم، جوابی نشنیدم، دانستم که فاطمه علیها السلام به ملکوت اعلی پیوسته است.^۱

همچنین سلمی‌ام بنی رافع نقل می‌کند: «در واپسین لحظه‌های عمر حضرت زهرا علیها السلام که من در محضر آن بزرگوار بودم، ایشان از من آبی برای غسل و شستشوی بدنش خواست. آب را آماده کردم، سپس فرمود: لباسهای نورانی بیآور. چنین کردم. آن بزرگوار پس از غسل، آن لباسها را بر تن کرد و در بستر رو به قبله خوابید. آنگاه خطاب به من فرمود: ای سلمی! من در همین لحظه قبض روح می‌شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت، بعد از مرگ من هیچ کس لباس مرا از تن برنگیرد.^۲»

۱. محمد دشتی، نهج الحیة فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ج ششم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۳۷۳، ص ۲۳۶.
 ۲. همان، ص ۲۲۸.
 ۳. انصاری زنجانی، اسماعیل، فاطمه در آینه کتاب، ص ۱۰-۱۱، مؤسسه نشر الهادی قم.
 ۴. احزاب/ ۳۳.

فاطمه علیها السلام مانند دیگران حد جاری می‌کنم.

علی علیه السلام: در این صورت در پیشگاه خداوند کافر می‌شوی.

ابوبکر: چرا؟!

علی علیه السلام: زیرا در این فرض تو شهادت خدا را که به پاکی فاطمه گواهی داده، قبول نکرده و گواهی مردم را پذیرفته‌ای، همان طور که شهادت خدا و پیامبر را در این مورد نادیده گرفته و فدک را از فاطمه علیها السلام به یغما برده‌ای! ای ابوبکر! مگر فدک در دست فاطمه علیها السلام نبود؟ چرا و چگونه چیزی را که در دست او است برای اثبات مسالکیتش از او بی‌ینه و شاهد می‌خواهی؟!

مردم چون این مناظره و سخنان علی علیه السلام و ابوبکر را شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده، گفتند: «صَدَقَ وَاللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ سوگند به خدا که علی راست می‌گوید.»

در اینجا علی علیه السلام با استفاده از آیه تطهیر بر عصمت فاطمه علیها السلام استدلال نمود و مهاجر و انصار نیز آنرا پذیرفته و مورد تأیید قرار داده‌اند.

زشتیها و پلیدیها را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک و مطهر گرداند.»

استدلال به آیه تطهیر

چون خلیفه اول - پس از رحلت پیامبر خدا - فدک را غصب کرد و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با او به محاجه و مناظره پرداخت؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز پس از سخنرانی و خطبه فاطمه زهرا علیها السلام (در مسجد)، به مسجد رفت و در سخنانش خطاب به ابوبکر فرمود:

«یا ابابکر! بگو بینم قرآن خوانده‌ای؟! »

ابوبکر گفت: بلی خوانده‌ام.

علی علیه السلام: بگو بینم آیا آیه تطهیر

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

أَهْلَ النَّبِيِّ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا﴾

در حق ما نازل شده یا در حق دیگران؟! ابوبکر: در حق شما نازل شده.

علی علیه السلام: اگر کسی شهادت دهد که

فاطمه علیها السلام کار بدی انجام داده، چه می‌کنی؟ آیا شهادت او را می‌پذیری یا نه؟

ابوبکر: بله می‌پذیرم و برای

به مریم دختر عمران است، ولی دخترم فاطمه برترین زنان عالمیان از اولین تا آخرین است. بر او در محراب عبادتش، هفتاد هزار فرشته از مقربین درگاه الهی سلام می دهند و او را با آن جمله ای که مریم را مخاطب قرار داده بودند، مخاطب قرار می دهند و چنین می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان عالمیان برتری داده است.»

چنانچه در این حدیث ملاحظه شد؛ فرشتگان به وضوح طهارت و عصمت فاطمه زهرا علیها السلام را بیان نموده اند.

همچنین از شیعه و سنی نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «فاطمة بضعة مني، فمن آذاهما فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله؛

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را آزار دهد مرا آزار نموده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت نموده است.»^۱

۱. عوالم العلوم، علامه بحرانی، ج ۱۱، ص ۹۹، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۱.
۲. محجة البيضاء، محسن فیض کاشانی، ج ۴،

گواهی ملائکه بر عصمت

فاطمه علیها السلام

از روایات متعددی استفاده می شود که جبرئیل و سایر ملائکه آسمانها، بر حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده و با وی به مکالمه و مصاحبه پرداخته و در ضمن سخنان خود، در مورد فضایل و مناقب آن بانوی گرامی، مطالبی می گفتند که عصمت آن بزرگوار از آنها ثابت می شود. در حدیثی از رسول گرامی اسلام آمده است:

«...إبنتی فاطمة، وأنها كسيدة نساء العالمین، فقیل: یا رسول الله! أهي سيدة نساء عالمها؟ فقال: ذلك لمریم بنت عمران، فأما ابنتی فاطمة فهي سيدة نساء العالمین من الأولین والآخرین وأنها لتقوم فی مخرابها فیسلم علیها سبعون ألف ملك من الملائكة المقربین وینادونها بما نادت به الملائكة مریم فقیولون یا فاطمة! إن الله اصطفیک وطهرک واصطفیک علی نساء العالمین؛^۱

...دخترم فاطمه سرور زنان جهان است. گفته شد: یا رسول الله! آیا او سرور زنان زمان خویش است؟ فرمودند: این [امتیاز محدود]، مربوط

را همراهی می‌کنند، تا بدین طریق فاطمه از صراط می‌گذرد و پس از گفتگوهای زیاد، خطاب می‌رسد، ای فاطمه علیها السلام! هر چه می‌خواهی بخواه! دخترم عرض می‌کند:

«أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُجِيبِي وَمُجِيبِي
عِزَّتِي بِالنَّارِ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ
وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَازْتِفَاعَ مَكَانِي، لَقَدْ آلَيْتُ
عَلَى نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ بِأَلْفِي عَامٍ أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُجِيبِكَ
وَمُجِيبِي عِزَّتِكَ بِالنَّارِ؛»^۱

[بار الها] از تو می‌خواهم
علاقه‌مندان خود و فرزندانم را در
آتش نسوزانی. خداوند به او وحی
می‌کند: ای فاطمه! به عزت و جلالم و
به بلندی موقعیتم سوگند، که دو هزار
سال پیش از آنکه آسمانها و زمین را
خلق کنم، بر خودم لازم کرده‌ام که
علاقه‌مندان به تو و فرزندان را با
آتش عذاب نکنم.»

آنچه که از این احادیث در رابطه با
عصمت حضرت زهرا علیها السلام می‌توان
استفاده کرد؛ این است که اگر فاطمه علیها السلام
معصوم نبود، چگونه پیامبر خدا به
طور مطلق خشم او را خشم خدا و
رضای او را رضای الهی معرفی
می‌کند؟! مگر می‌توان رضا و خشم
اشخاص غیر معصوم را - به طور مطلق
- با رضا و خشم خدا مرتبط دانست؟!
شفاعت فاطمه علیها السلام

از مقامات حضرت زهرا علیها السلام
شفاعت و بشارت امت به نجات است.
در حدیثی آمده است: روزی
سلمان به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای
مولای من! تو را سوگند به خدا از
عظمت فاطمه در روز قیامت تعریفی
بفرما.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با تبسم رو به
سلمان کرد و فرمود: سوگند به آن
آفریدگاری که جانم در دست اوست،
فاطمه را در آن روز، بسر ناقه‌ای از
ناقه‌های بهشت سوار می‌کنند، جبرئیل
و میکائیل به ترتیب از راست و چپ او
حرکت می‌کنند. علی علیه السلام در پیشاپیش
و حسن و حسین علیهما السلام از پشت سر، وی

ص ۲۱۰، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم؛
شرح نهج البلاغه، ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله
المدائنی (ابن ابی الحدید)، ج ۱۶، ص ۲۷۳.
دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹.
۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۵، حاج شیخ علی
نمازی شاهرودی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹.

پس از دیگری انتخاب نموده و داخل بهشت می‌نماید؛ همان طوری که پرنندگان دانه را برمی‌گزینند و سپس شیعیان آن حضرت نیز، خود شفاعت نموده و علاقه‌مندان فاطمه را به بهشت می‌برند. و سپس فرمودند:

«وَالله لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكُّ أَوْ كَاثِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ!»^۱

سوگند به خدا! از میان مردم کسی باقی نمی‌ماند مگر افراد «مذبذب»، «کافر» و «منافق» [ولی سایر مردم مورد شفاعت فاطمه علیها السلام قرار می‌گیرند.]

مودت فاطمه علیها السلام

قرآن مجید محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام را مزد رسالت دانسته و در سوره شوری آیه ۲۳، چنین می‌فرماید:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛

«بگو من هیچ پاداشی از شما در برابر زحمات رسالتم به جز دوست داشتن اهل بیت نمی‌خواهم.»

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ق.

همچنین جابر جعفی به حضور امام باقر علیه السلام رسیده و عرض کرد: فدایت شوم حدیثی در مورد فاطمه علیها السلام بفرمائید که با نقل آن، شیعیان را خوشحال کنم.

حضرت فرمودند: «در رستاخیز منبری از نور برای پیامبران نصب می‌گردد که منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مجلل‌تر است و همچنین منبرهایی برای اوصیاء قرار می‌دهند که منبر علی علیه السلام از همه مجلل‌تر است. آنگاه نوبت به فرزندان انبیاء می‌رسد که مقام حسن و حسین بس منیع‌تر است. سپس نوبت فاطمه علیها السلام فرا می‌رسد، او را با تجلیل و شکوه بی‌نظیر به محشر می‌آورند و در کنار در بهشت قرار می‌گیرد، ولی داخل آن نمی‌شود و می‌گوید: خدایا از تو مسئلت دارم که مقام مرا در چنین روزی برای اهل محشر معلوم کنی. از جانب خدا ندا می‌رسد؛ ای دختر پیامبر! به سوی اهل محشر برگرد و هر که را از علاقه‌مندان خود یافتی شفاعت کن.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند! فاطمه شیعیان خویش را یکی

من دشمن کسی هستم که با شما دشمنی کند و یار کسی هستم که با شما از در مسالمت درآید.» (این مطلب را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود).

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری چنین می فرماید:

«يا سلمان! من أحب فاطمة بنتي فهو في الجنة معي ومن أبغضها فهو في النار، يا سلمان! أحب فاطمة ينفع في مائة من المواطنين، أيسر ذلك المواطنين: الموت والقبر والميزان والمخسر والضراط والمخاستبة؛^۱

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد، او در بهشت با من خواهد بود و چنانچه کسی او را به خشم آورد، جایگاهش آتش است.

ای سلمان! محبت فاطمه علیها السلام در

هنگامی که آیه فوق نازل شد، جمعی از صحابه از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند: ای پیامبر خدا، آنان چه کسانی که خداوند محبتشان را بر ما واجب نموده است؟ حضرت در جواب فرمودند: علی و فاطمه و دوفرنزندانشان.^۱

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبت اهل بیت را اساس اسلام دانسته و می فرماید:

«يا علي! إن الإسلام عريان لياشئ التقوى... وأساس الإسلام حبي وحب أهل بيتي»^۲؛

یا علی! همانا اسلام عریان است و تقوی و پرهیزکاری لباس آن می باشد... اساس اسلام؛ محبت من و اهل بیت من است.» پس محبت

فاطمه علیها السلام نیز به عنوان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اساس اسلام می باشد.

در روایت دیگری حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیرامون مودت فاطمه علیها السلام و همسر و فرزندانش چنین می فرماید:

«أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم. قاله لعلي و فاطمة والحسن والحسين»^۳؛

۱. فرائد السمطين، ابراهيم بن محمد جويني خراساني، مؤسسه المحمودي، بيروت، چاپ اول، ۱۳۹۸ ه.ق، ج ۲، ص ۱۳، ش ۲۵۹.

۲. كنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۹۷.

۴. فرائد السمطين، ابراهيم بن محمد جويني خراساني، ج ۲، ص ۶۷، مؤسسه المحمودي، بيروت، چاپ اول، ۱۳۹۸ ه.ق.

را به خانه‌اش دعوت کرد. فاطمه علیها السلام اهدایی همسایه را که دو تکه نان و مختصر گوشتی بود در یک ظرف سرپوشیده قرار داد و چون پدرش بازگشت آن را در مقابل رسول خدا قرار داد. در این هنگام فاطمه علیها السلام دید ظرف پر از غذا شده است و از این رو تعجب کرد و خیره خیره به آن نگاه می‌کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به دخترش گفت: ای فاطمه! این طعام را چگونه و از کجا بدست آورده‌ای؟ فاطمه در جواب گفت: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ شَبِيهَةَ بَيْتَةِ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَتَاهَا كَأَنَّهُ إِذَا رَزَقَهَا اللَّهُ شَيْئًا فَتَشَلَّتْ عَنْهُ فَأَلَتْ: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛^۱

این از بسرکات الهی است که خداوند به هر کسی که بخواهد بدون محدودیت عطا می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله [چون سخن دخترش را شنید] فرمود: سپاس

۱. آل عمران / ۳۷.

صد جا اثر خواهد داشت که راحت‌ترین آن جاها؛ مرگ و عالم قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه اعمال است.»

نزول مائده برای فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام در پیشگاه خدا آن چنان عزیز بود که بارها مورد عنایت خاص خداوند قرار گرفت. به یک نمونه از این عنایتها اشاره می‌کنیم:

پیامبر عالی قدر اسلام به شدت گرسنه بود و ضعف و ناتوانی شدیدی به او روی آورده بود، به خانه دخترش فاطمه علیها السلام رفت تا در آنجا مقداری غذا میل کند، ولی فاطمه علیها السلام و فرزندان نیز گرسنه بودند؛ رسول خدا خانه دخترش را ترک کرد و هنوز چند قدمی از منزل دخترش نگذشته بود که یکی از همسایگان او مختصر طعامی برای فاطمه علیها السلام فرستاد. در این هنگام فاطمه علیها السلام با خود گفت؛ سوگند به خدا، خود و فرزندانم گرسنه می‌مانیم، ولی این مختصر غذا را برای پدرم نگاه می‌دارم. بنابراین یکی از فرزندان را به دنبال پدر فرستاد و او

یاس یک شب را گل ایوان ماست
 یاس تنها یک سحر مهمان ماست
 بسعد روی صبح پرپر می شود
 راهی شبهای دیگر می شود
 یاس را آئینه ها رو کرده اند
 یاس را پیغمبران بو کرده اند
 یاسها یساده آور پروانه اند
 یاسها پیغمبران خانه اند
 یاس خوشبوی محمد داغ دید
 صد فدک زخم از گل این باغ دید
 باید از فقدان گل خونجوش بود
 در فراق یاس مشک می پوش بود
 حضرت زهرا دلش از یاس بود
 دانسه های اشکش از الماس بود
 داغ عطر یاس زهرا زیر ماه
 می چکانید اشک حیدر را به چاه
 اشک می ریزد علی مانند رود
 بر تن زهرا گل یاس کبود
 «شعر از احمد عزیزی»

خدایی که تو را همانند مریم؛ سرور
 زنان بنی اسرائیل قرار داده؛ زیرا او نیز
 هرگاه خداوند برایش چیزی
 می فرستاد و از او درباره آن سؤال
 می شد، می گفت: این طعام از جانب
 خداست و خداوند به هر کسی که
 بخواهد روزی بی حساب می دهد.^۱
 آنگاه رسول خدا علی را نیز به
 حضورش فراخواند و همگی از آن
 غذا خوردند و سیر شدند و زنان و اهل
 بیت نیز دعوت شدند و خوردند در
 حالی که غذا و مائده آسمانی به همان
 صورت باقی بود؛ حتی فاطمه برای
 همسایگان نیز از طعام آسمانی که از
 الطاف خفیه الهی سرچشمه گرفته بود
 ارسال داشت.^۲
 در پایان و به مناسبت سالگرد
 شهادت فاطمه زهرا شعری را در این
 زمینه تقدیم می داریم.

عطر گل یاس

یاس بوی مهربانی می دهد
 عطر دوران جوانی می دهد
 یاس مثل عطر پاک نیت است
 یاس استنشاق معصومیت است

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۹، ابن شهر آشوب، المطبعة العلمیه، قم، بی تا.
 ۲. فرائد السمطین، ج ۲، ص ۵۱ و ۵۲، ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی، مؤسسه المحمودی، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۸ ه.ق.